

تحلیلی بر جغرافیای جمعیت و ارتباط آن با قدرت ملی ج.ا.ایران با تاکید بر

جوانی جمعیت

داود امینی^۱علی اکبر حسنونند^۲ولی اله اسفندیار^۳

چکیده

جغرافیای جمعیت به مطالعه مفاهیمی چون؛ کمیت، کیفیت، جنسیت، رشد، پراکنش، تراکم، ترکیب، جابه‌جایی، دافعه‌ها و جاذبه‌های جمعیتی بر پایه الگوهای مکانی و فضایی می‌پردازد. جغرافیای نظامی در بستر جغرافیای جمعیت به دنبال یافتن رابطه بین مؤلفه‌های جمعیتی و امنیت نظامی است. آمارهای جمعیتی که از لحاظ نظامی اهمیت دارند. این تحقیق با هدف شناخت ویژگی‌های جغرافیای جمعیتی موثر در افزایش قدرت ملی کشور جمهوری اسلامی ایران بوده و نوع تحقیق موردی-زمینه‌ای است و اطلاعات مربوط به متغیرها با نظرخواهی از خبرگان کسب و با ارائه در جامعه نمونه با روش خی ۲ مورد آزمون قرار گرفت و با ضریب توافقی C شدت همبستگی آن محاسبه گردیده است. نتایج تحقیق نشانگر آن است که؛ رابطه معنی‌داری بین جمعیت جوان با افزایش قدرت ملی ج.ا.ایران وجود دارد. همچنین افزایش رابطه جوانی جمعیت به عنوان یک مؤلفه جغرافیای جمعیت نیز با ارتقاء قدرت ملی به میزان کم معنی‌دار است.

واژگان کلیدی: جمعیت، جغرافیای جمعیت، جوانی، قدرت ملی، ج.ا.ایران

^۱ دانشیار گروه تاریخ و جغرافیا، دانشگاه افسری امام علی(ع) davoodamini1357@gmail.com^۲ دکترای مدیریت راهبردی و مدرس گروه تاریخ و جغرافیا، دانشگاه افسری امام علی(ع) dr.hasavand1965@gmail.com^۳ استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه افسری امام علی(ع) Validsfadiyar@gmail.com

مقدمه

جمعیت از شاخص‌ترین مؤلفه‌های جغرافیایی در سنجش قدرت ملی تلقی می‌شود. الگوی توزیع فضایی و تراکم جمعیت اساسی‌ترین نکته درک جغرافیای هر سرزمین است. قابلیت‌های جمعیت یک کشور بر اساس مؤلفه‌های کمی و کیفی آن سنجیده می‌شود. شاخص‌های کمی جمعیت شامل تعداد، رشد، تراکم و ترکیب است. شاخص‌ها کیفی جمعیت شامل خصایص فرهنگی، باورهای ملی، اعتقادات مذهبی، سطح سواد، جوانی، فعال و مولد بودن، سطح اشتغال و... است (عبادی‌زاده و امینی، ۱۳۹۷: ۷۲).

مقام معظم رهبری در فرمایشات خود در کنار قابلیت‌های جغرافیای طبیعی کشور همواره به جایگاه رفیع قابلیت‌های جغرافیای انسانی کشور خصوصاً به عامل جمعیت به عنوان ظرفیت بی‌بدیل سرمایه انسانی اشاره می‌نمایند. ایشان بر شاخص‌های کمی و کیفی جمعیت به عنوان یک اهرم مستحکم و قابل اعتماد در پیشرفت و تعالی کشور در زمینه‌های علمی، ورزشی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی تأکید دارند. همچنین ظرفیت‌های انسانی جهان اسلام را عاملی برای ترقی بلاد اسلامی و اتحاد این آحاد عظیم را حربه‌ای برای مقابله با زورگویی‌های استعمارگران می‌دانند.

مسئله‌ای که در حوزه جمعیت از اوایل دهه هفتاد گریبان‌گیر ج.ا.ایران شده کاهش شدید نرخ رشد جمعیت است. در سال ۶۵ نرخ رشد جمعیت ایران ۳٫۹ بود. رشد جمعیت کشور در سال ۱۴۰۲ به زیر ۱ درصد (۰٫۶) رسیده و پیش‌بینی شده اگر با روند فعلی نرخ رشد کاهش پیدا کند، حدود سال ۱۴۱۵ کشور با نرخ رشد جمعیت صفر و در سال ۱۴۲۰ با نرخ رشد منفی مواجه خواهد شد. بر اساس آمارها در سال ۱۴۰۲ حدود ۱۲ درصد از جمعیت کشور را سالمندان تشکیل می‌دهند. لیکن با روند فعلی پیری جمعیت کشور، در سال ۱۴۲۵، این رقم به بیش از ۳۰ درصد خواهد رسید که یکی مهم‌ترین پیامد آن کاهش بنیه دفاعی نیروهای مسلح از منظر سرمایه انسانی خواهد بود. معضل دیگر در کشور کاهش نرخ باروری زنان است. در سال ۶۵ هر خانم ایرانی در سن باروری (۱۵ تا ۴۹ ساله) نرخ باروری ۶٫۳ فرزند داشت ولی الان به نرخ باروری کل^۱ در کشور به عدد ۱٫۶۵ رسیده است. این بدان معناست که ج.ا.ایران در بین ۵۶ کشور اسلامی دارای پایین‌ترین نرخ باروری است.

مسئله بعدی در کشور عدم توازن در پراکندگی جمعیت در قلمرو سرزمینی کشور است. حاکم بودن دیدگاه مرکز-پیرامون در برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای کشور و ارجحیت مناطق مرکزی نسبت به مناطق پیرامونی موجب توسعه مناطق مرکزی و توسعه نیافتگی مناطق پیرامونی را موجب گردیده است. با تمرکز امکانات زیستی اعم از اقتصادی، تجاری و مالی؛ صنعتی؛ کشاورزی؛ نظامی و امنیتی و فرهنگی مناطق مرکزی به کانون‌های جذب و مناطق پیرامونی به کانون‌های دفع جمعیت بدل شده‌اند. اتخاذ این راهبرد اشتباه توازن سکونت جمعیت در کشور را نامتوازن نموده است. برای نمونه اختصاص بودجه‌های کلان برای تهران از اوایل دهه ۵۰ ه.ش این منطقه را به عنوان یک کانون جذب جمعیت بدل نموده و مهاجرت‌های گسترده‌ای از اقصای نقاط کشور به این منطقه را موجب گردیده است. امروزه (۱۴۰۲) بیش از ۱۷ درصد جمعیت کشور یعنی ۱۴/۵ میلیون از ۸۵ میلیون جمعیت در استان تهران سکونت دارند. پراکنش نابرابر و نامتقارن جمعیت از ابعاد نظامی و امنیتی مسائل و معضلات عدیده‌ای را در کشور رقم زده و هزینه‌های بخش دفاعی و امنیتی کشور را دوچندان نموده است.

^۱Total Fertility Rate(TFR)

اندیشمندان مختلف عناصر قدرت ملی را به عوامل طبیعی و اجتماعی طبقه‌بندی نموده‌اند. به زبان ساده می‌توان عناصر قدرت ملی را به شرح زیر مورد بحث قرار داد:

۱. جغرافیا ۲. منابع طبیعی (مواد خام و منابع غذایی) ۳. جمعیت ۴. توسعه اقتصادی و ظرفیت صنعتی ۵. فناوری ۶. آمادگی نظامی ۷. ایدئولوژی ۸. رهبری ۹. سازماندهی و کیفیت دولت ۱۰. شخصیت و روحیه ملی ۱۱. دیپلماسی

باتوجه به عناصر نامبرده، یکی از مؤلفه‌های قدرت ملی، جمعیت یک کشور است. این مؤلفه قدرت بایستی دارای چه ویژگی‌هایی باشد. آیا هرجمعیتی را می‌توان به عنوان یک مؤلفه موثر در افزایش قدرت ملی قلمداد کرد؟ این تحقیق به دنبال یک الگوی مناسب جمعیتی در افزایش قدرت ملی است. بر همین اساس، هدف تحقیق شناخت ویژگی‌های جمعیتی موثر در افزایش قدرت ملی کشور ج.ا.ایران است. بر اساس هدف تعریف شده، فرضیه تحقیق این است که افزایش جمعیت جوان متناسب با وضعیت اقتصادی باعث افزایش قدرت ملی در کشور ج.ا.ایران خواهد بود. همچنین در ادامه به این سؤال پاسخ داده خواهد شد؛ آیا افزایش جمعیت جوان متناسب با وضعیت اقتصادی باعث افزایش قدرت ملی ج.ا.ایران می‌گردد؟

به تعبیری دیگر این تحقیق به دنبال یافتن رابطه بین یکی از مؤلفه‌های جغرافیای جمعیت (جوانی جمعیت) و قدرت ملی است. یعنی پاسخگویی به این سؤال محور این تحقیق تلقی می‌شود: رابطه بین مؤلفه جوانی جمعیت در جغرافیای جمعیت و قدرت ملی در ج.ا.ایران چگونه است؟

پیشینه تحقیق

در مورد جمعیت و جایگاه آن در ارتقاء اقتدار و تقویت قدرت ملی تحقیقات گوناگونی در کشور انجام شده است. تعدادی از تحقیقات به شرح زیر است:

مهدیان و همکاران (۱۴۰۳)، در تحقیقی با عنوان «ارائه الگوی جوانی جمعیت و ارتقاء قدرت ملی از منظر فرماندهی معظم کل قوا (حفظ الله)» مؤلفه جمعیت را به عنوان یکی از عوامل ثابت ژئوپلیتیک، دانسته و عنوان نمودند جمعیت در صورت برخورداری از شرایط مطلوب همچون کیفیت، جوانی، مهارت و تخصص و... می‌تواند پیشرانی تاثیرگذار و مؤثر در تسریع در روند توسعه و تعالی هر کشوری باشد. این موضوع به صورت اصلی جامع شمول، قابلیت تسری به همه جوامع از جمله ج.ا.ایران را داشته و فراوانی جمعیت کیفی می‌تواند حتی در حوزه‌های دفاعی، نظامی و امنیتی نیز به وضوح ایفای نقش کند.

الهی و همکاران (۱۴۰۳)، در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه جمعیت و قدرت ملی در ج.ا.ایران (با تأکید بر آموزه‌های دینی)»، به این نتیجه رسیده‌اند که ج.ا.ایران در شرایط نوینی از تجارب جمعیتی و متغیرهای مربوط به آن است. این مقوله می‌تواند در برنامه‌های میان‌مدت و بلندمدت آن تأثیری مثبت بگذارد؛ در این بین، نوع نگاه و تحلیل درست متصدیان امر امنیت باید به گونه‌ای باشد که ازدیاد نرخ جمعیت بتواند به مثابه تضعف سرمایه‌های اجتماعی، در راستای قدرت ملی و نشان دادن ابعاد آن در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی تعریف شود. در حقیقت، داده‌های جمعیتی به عنوان اولویتی بی‌بدیل و اثرگذار در قدرت ملی باید در قلمروهای امنیتی و سیاسی در جهت امن‌سازی کشور مورد توجه قرار گیرد.

خانجانی و کارگر (۱۴۰۲)، در تحقیقی با عنوان «نقش جمعیت در تولید قدرت ملی و ارتقاء اقتدار ملی» نتیجه تحقیق نشان داده که در تمامی مدل‌های مورد مطالعه، جمعیت به عنوان یک عامل اصلی قدرت دیده شده و واجد بیشترین ضریب اهمیت در محاسبه قدرت ملی می‌باشد. که این عامل باعث رشد و ارتقاء اقتدار ملی در کشور می‌شود.

اعتمادی (۱۳۹۸)، در تحقیق با عنوان «نقش افزایش جمعیت در اقتدار ملی» تأکید کردند که جمعیت اصلی‌ترین نقش را در تولید قدرت ملی ایفا می‌کند. روند کاهش جمعیت جوان در سال‌های آتی، می‌تواند کشورمان را از جهات مختلف در معرض خطرات جدی و جبران‌ناپذیری قرار دهد. روند کاهش جمعیت و تبعات ناشی از آن، تا آن اندازه جدی است که رهبر معظم انقلاب در سال‌های اخیر بارها این مسأله را با جدیت به مسئولین و مردم گوشزد نموده است. عبادی‌نژاد، امینی (۱۳۹۷)، در تحقیقات بعمل آمده سیاست‌های کلان جمعیتی ج.ا.ایران و ارتباط آن با قدرت ملی کشور را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری^(مدظله‌العالی) در خصوص جایگاه جمعیت و سیاست‌های ابلاغی از سوی معظم‌له را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. اسکویبا و هوانگ (۲۰۲۲)، در تحقیقی با عنوان «جمعیت و امنیت ملی» به این نتیجه رسیده‌اند که؛ جغرافیای جمعیت و جمعیت‌شناسی ابزار مفیدی برای درک امنیت ملی است زیرا مرگ و میر، باروری و مهاجرت - سه مؤلفه تغییر جمعیت - عمدتاً روندهای بلندمدتی هستند که می‌توانند به تحلیلگران اجازه دهند آینده نزدیک را با درجاتی از اطمینان پیش‌بینی کنند. پیوندهای بین جمعیت و امنیت ملی از دو زاویه قابل بررسی است: پیامدهای جمعیت‌شناختی برای منابع و پویایی درگیری، و تأثیرات جمعیتی بر قدرت ملی.

اسکویبا (۲۰۱۰)، در تحقیق با عنوان «چهره‌های آینده جنگ: جمعیت و امنیت ملی (چهره در حال تغییر جنگ)» به این نتیجه رسیده که اندازه، ساختار، توزیع و ترکیب جمعیت به طرق متعددی بر امنیت تأثیر می‌گذارد. قدرت ملی، تنش‌ها و درگیری‌های مدنی و توسعه متأثر از جمعیت هستند. چهره‌های آینده جنگ: جمعیت و امنیت ملی یک نمای کلی از چگونگی عملکرد روندهای جمعیتی به عنوان مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و ارتقاء سطح امنیت ملی یک دولت ارائه می‌دهد.

مبانی نظری

جایگاه جمعیت در قدرت ملی

تعداد جمعیت کشور به دلایل زیر از اهمیت ویژه‌ای در ارزیابی و مقایسه توان نظامی کشورها برخوردار است (امینی و حنفی: ۱۴۰۰: ۵۸):

الف) تعداد مردان و زنان در سن واجد شرایط برای اعزام به خدمت نظامی (۱۵ تا ۴۹ سال) بر مبنای تعداد کل جمعیت کشورها تعیین می‌شود.

ب) در بروز جنگ فرسایشی، جمعیت زیاد پشتوانه مناسبی برای پشتیبانی از یگان‌ها و نیروهای درگیر در جبهه‌های نبرد است.

ج) در کشورهایی با جمعیت زیاد در زمان صلح و در مواقع مواجهه با موارد اضطراری نظامی قوای ذخیره به عنوان پشتیبان نیروهای مسلح تلقی می‌شوند.

د) مدل‌ها و الگوهای توزیع جمعیت در قلمرو سرزمینی کشورها در معادلات دفاعی، امنیتی و نظامی بسیار تعیین‌کننده و حائز اهمیت است.

کشورهایی که از توزیع جمعیتی مناسب و ایده‌آل برخوردارند، در صد زیادی از جمعیت‌شان به شکل متعادل در روستاها، شهرک‌ها، شهرها و کلان‌شهرها ساکن هستند. این الگوی توزیع یکنواخت موجب مصونیت بیشتر شهروندان غیرنظامی در مقابل متخاصمان مرزی است.

کشورهایی که الگوی پراکنش جمعیت نامتوازن و نابرابر دارند، در مقابل حملات آسیب‌پذیرترند، مگر آنکه از موهبت همسایگان خوب (مثل کانادا) یا موانع توپوگرافی مناسب (مثل سوئیس) برخوردار باشند.

توزیع مناسب جمعیت دشمن را ملزم می‌کند که به جای یک یا دو نقطه جمعیتی، چندین موقعیت را مورد هدف قرار دهد و این هزینه متجاوز را افزایش داده و از خطرات تمرکزگرایی مفرط می‌کاهد (کالینز، ۱۳۸۴: ۶).

تراکم جمعیت متعادل از موانع اصلی ایجاد رقابت‌ها، تنش‌ها و درگیری‌های داخلی در قلمرو سرزمین کشورهاست.

علاوه بر تعداد جمعیت و الگوی توزیع آن در قلمرو سرزمین، بررسی ویژگی‌های فیزیکی جمعیت در بررسی‌های نظامی جایگاه ویژه‌ای دارد. نظامیانی که رنگ پوست و موی آنها با نیروهای دشمن متفاوت باشد، در پشت خطوط دشمن به راحتی قابل شناسایی هستند. مثل نیروهای آمریکایی که در جبهه کره شمالی و ویتنام به راحتی از بومیان قابل شناسایی بودند.

جمعیت همچنان عامل اصلی تعیین‌کننده ظرفیت‌های صنعتی و نظامی یک ملت و جایگاه آن به عنوان یک قدرت در روابط بین‌الملل است. در این عصر علم، ماشین‌ها تعداد زیادی کارکرد را انجام می‌دهند که قبلاً توسط نیروی انسانی انجام می‌شد. با این حال ماشین‌ها نتوانسته‌اند به طور کامل جایگزین مردان شوند. حتی امروزه مردان پشت ماشین‌ها مهم‌تر از ماشین‌ها هستند. نیروی انسانی به تنهایی می‌تواند از منابع طبیعی بهره‌برداری کند و از این منابع در جهت رفع نیازهای ملی استفاده کند. جمعیت می‌تواند بر موانع جغرافیایی غلبه کند. توسعه علمی و صنعتی بدون مردان امکان‌پذیر نیست. مردان برای مبارزه لازم هستند. مکانیزه شدن جنگ اهمیت انسان را به عنوان سرباز محدود نکرده است. نیروی انسانی به تنهایی می‌تواند یک پیروزی نظامی را ثبت کند. از این رو جمعیت منبع قدرت است. قدرت‌های بزرگ عصر ما، ایالت‌هایی با جمعیت نسبتاً زیاد هستند. تمرکز زیاد نیروی انسانی در آسیا، به ویژه چین و هند، یکی از عوامل مهم ساختار قدرت در سیاست بین‌الملل بوده است. نیروی انسانی ناشی از حضور طبقه بزرگی از نیروی کار ماهر، منبعی برای قدرت نوظهور هند در جهان بوده است. بنابراین، می‌توان مشاهده کرد که:

۱. جمعیت عنصر مهم قدرت نظامی است.

۲. نیروی انسانی برای بهره‌برداری کامل از منابع دولت مورد نیاز است. تولید صنعتی به نیروی انسانی و همچنین ماشین‌آلات بستگی دارد.

۳. عامل جمعیت هم نیازهای ملی را تعیین می‌کند و هم سیاست‌هایی را که برای تأمین این نیازها طراحی شده‌اند.

۴. جمعیت عنصر مهم انسانی قدرت ملی است.

با این حال، این تنها تعداد زیاد مردم نیست که قدرت یک ملت را تعیین می کند. بریتانیا، با جمعیت بسیار کمی، در موقعیتی بود که می توانست بر بسیاری از کشورها، حتی کشورهای پرجمعیت مانند هند، حکومت کند. اسرائیل با جمعیت کم، قدرت بیشتری نسبت به کشورهای عربی نشان داده است. جمعیت های نامتناسب بزرگ با نرخ رشد بالا مانعی بر سر راه چین و هند بوده اند. عامل جمعیت منبعی برای محدودیت در قدرت ملی هند بوده است. این امر بر نرخ رشد اقتصادی تأثیر نامطلوبی گذاشته و یک مشکل دائمی غذایی برای هند ایجاد کرده است. فقر هند عمدتاً به دلیل جمعیت زیاد آن بوده است. علاوه بر این، این صرفاً کمیت جمعیت نیست که بر قدرت ملی تأثیر می گذارد. کیفیت جمعیت عامل ارزشمندتری در زمینه قدرت ملی است. نیروی انسانی فداکار، منضبط، پرتلاش، سالم، تحصیل کرده و ماهر به تنهایی می تواند منبع قدرت باشد. ملتی که مردمان ناسالم، بیکار، تنبل، بی مهارت، بی سواد و نادان در آن زندگی می کنند، مسلماً قدرتی ضعیف و غیر فعال است. علاوه بر این، اندازه بزرگ جمعیت منبع بزرگ فشار است زیرا منجر به فرسودگی سریع منابع ملی می شود. به این ترتیب ارزیابی جمعیت به عنوان یک عامل قدرت ملی باید شامل ارزیابی در هر دو جنبه کمی و کیفی باشد. جمعیت جوان یکی از عوامل مهم اقتدار و از پایه های اصلی قدرت و رشد اقتصادی اجتماعی کشورها محسوب میشود. قدرت و توسعه هر کشور در رابطه با نیروی انسانی و جمعیت معنا پیدا می کند. حرکت به سمت توسعه همه جانبه نیاز جدی به توسعه و ارتقای سرمایه انسانی دارد. کشور ما سال ها از جمعیت جوان برخوردار بوده و همچنان الزم است این ثروت حیاتی حفظ و تقویت شود. متأسفانه در سالهای اخیر روند باروری در کشور شیب نزولی داشته است. بررسی های انجام شده حاکی از آن است که نرخ باروری کلی از ۲٫۱ در سال ۱۳۹۵ به ۱٫۷۴ در سال ۱۳۹۸ رسیده است و در سال ۱۳۹۹ این روند کاهشی همچنان ادامه داشته و با سطح جانشینی فاصله زیادی دارد. با شیوع بیماری کووید ۱۹ از پایان سال ۱۳۹۸، انتظار می رود به دنبال بحران اقتصادی و شرایط خاص کنترل این بیماری، روند کاهشی میزان مولید در کشور همچنان تداوم داشته باشد. پیش بینی میشود در سال ۱۴۲۰ (در یک دوره بیست ساله)، جمعیت سالمندان کشور حدوداً دو برابر شود که این روند در دیگر کشورها طی ۱۰۰ سال اتفاق افتاده است. در قیاس با کشورهای منطقه نیز، روند سالمندی در کشور ما بسیار سریع تر از کشورهایی همانند عراق و پاکستان است (منتظری و دیگران، ۱۴۰۱: ۳۱).

جمعیت از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)

مقام معظم رهبری در فرمایشات خود در کنار قابلیت های جغرافیای طبیعی کشور همواره به جایگاه رفیع قابلیت های جغرافیای انسانی کشور خصوصاً به عامل جمعیت به عنوان ظرفیت بی بدیل سرمایه انسانی اشاره می نمایند. ایشان بر شاخص های کمی و کیفی جمعیت به عنوان یک اهرم مستحکم و قابل اعتماد در پیشرفت و تعالی کشور در زمینه های علمی، ورزشی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی تأکید دارند. همچنین ظرفیت های انسانی جهان اسلام را عاملی برای ترقی بلاد اسلامی و اتحاد این آحاد عظیم را حربه ای برای مقابله با زورگویی های استعمارگران می دانند (عبادی نژاد، امینی، ۱۳۹۷: ۷۳).

رهبر معظم انقلاب اسلامی با عنایت به اهمیت مقوله جمعیت در اقتدار ملی؛ و با توجه به پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت کنونی کشور به عنوان یک فرصت و امتیاز؛ و در جهت جبران کاهش نرخ رشد جمعیت و نرخ باروری در سال های گذشته، در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۳۰ سیاست های کلی جمعیت را در ۱۴ بند ابلاغ کردند. ایشان

تأکید کردند «در نظر داشتن نقش ایجابی عامل جمعیت در پیشرفت کشور، لازم است برنامه‌ریزی‌های جامع برای رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور متناسب با سیاست‌های جمعیتی انجام گیرد. همچنین ضروری است با هماهنگی و تقسیم کار بین ارکان نظام و دستگاه‌های ذیربط در این زمینه، اقدامات لازم با دقت، سرعت و قوت صورت گیرد.» (ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت ۱۳۹۳/۲/۳۰).

جدول ۱- محورهای جغرافیایی و شرح تفصیلی سیاست‌های کلی جمعیت مقام معظم رهبری

محور سیاست‌های ابلاغی	شرح تفصیلی سیاست‌های ابلاغی
پویایی جمعیت	ارتقاء پویایی، بالندگی و جوانی جمعیت با افزایش نرخ باروری به بیش از سطح جانشینی
باروری جمعیت	تحکیم بنیان و پایداری خانواده با اصلاح آموزش‌های عمومی درباره اصالت کانون خانواده و فرزندپروری و با تأکید بر آموزش مهارت‌های زندگی و ارتباطی و ارائه خدمات مشاوره‌ای بر مبنای فرهنگ و ارزش‌های اسلامی- ایرانی و توسعه و تقویت نظام تأمین اجتماعی، خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی در جهت سلامت باروری و فرزندآوری
اصالت فرهنگی	ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی- ایرانی و مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی
امید به زندگی	ارتقاء امید به زندگی، تأمین سلامت و تغذیه سالم جمعیت و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی، به ویژه اعتیاد، سوانح، آلودگی‌های زیست محیطی و بیماری‌ها
توانمندسازی جمعیت	توانمندسازی جمعیت در سن کار با فرهنگ‌سازی و اصلاح، تقویت و سازگار کردن نظامات تربیتی و آموزش‌های عمومی، کارآفرینی، فنی - حرفه‌ای و تخصصی با نیازهای جامعه و استعدادها و علایق آنان در جهت ایجاد اشتغال مؤثر و مولد
توزیع فضایی جمعیت	بازتوزیع فضایی و جغرافیایی جمعیت، متناسب با ظرفیت زیستی با تأکید بر تأمین آب با هدف توزیع متعادل و کاهش فشار جمعیتی
تثبیت جمعیت	حفظ و جذب جمعیت در روستاها و مناطق مرزی و کم تراکم و ایجاد مراکز جدید جمعیتی به ویژه در جزایر و سواحل خلیج فارس و دریای عمان از طریق توسعه شبکه‌های زیربنایی، حمایت و تشویق سرمایه‌گذاری و ایجاد فضای کسب و کار با درآمد کافی
مهاجرت	مدیریت مهاجرت به داخل و خارج هماهنگ با سیاست‌های کلی جمعیت با تدوین و اجرای ساز و کارهای مناسب
پتانسیل‌های بیرون از مرزها	تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور و سرمایه‌گذاری، و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان
هویت ملی	تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی (ایرانی، اسلامی، انقلابی) و ارتقاء وفاق و همگرایی اجتماعی در پهنه سرزمینی به ویژه در میان مرزنشینان؛ و ایرانیان خارج از کشور
شاخص‌های بومی توسعه جمعیتی	رصد مستمر سیاست‌های جمعیتی در ابعاد کمی و کیفی با ایجاد ساز و کار مناسب و تدوین شاخص‌های بومی توسعه انسانی و انجام پژوهش‌های جمعیتی و توسعه انسانی

سند ملی صیانت از جمعیت: سند ملی صیانت از جمعیت، نقشه راه وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در راستای اجرای سیاست‌های کلی جمعیت است. در این راستا اقدامات گسترده‌ای از جمله: ابلاغ دستورالعمل تشویقی کارکنان سیستم بهداشتی در راستای ترویج فرزندآوری، بازنگری دستورالعمل‌های مرتبط، جلب همکاری درون و بیرون‌بخشی در راستای ارتقای نرخ باروری کلی، پیشگیری و درمان ناباروری، مراقبت گروه‌های کلیدی باروری سلامت مادر و کودک، آموزش‌های حین و پس از ازدواج، ارتقای امید به زندگی انجام گرفته است.

قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت: قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوبه مجلس شورای اسلامی تحت عنوان طرح جوانی جمعیت و حمایت از خانواده ابلاغ شد و در همین راستا ستاد ملی جمعیت به ریاست رئیس جمهور تشکیل شد که شرح وظایف آن شامل:

تقسیم کار ملی، تعیین نقش و هماهنگی بین وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و مجموعه‌های مرتبط با جوانی جمعیت؛

پیشنهاد به سازمان برنامه و بودجه جهت تأمین اعتبار بودجه به سازمان‌های مرتبط با این قانون؛ اهدای سالانه جوایز ملی جوانی جمعیت؛

پایش مستمر تغییرات جمعیتی در سطح ملی، استانی و شهرستانی با مشارکت مرکز آمار ایران؛ پایش مستمر وضعیت سقط جنین در کشور؛

ارایه گزارش شش ماهه در خصوص رشد ازدواج و فرزندآوری؛

رصد مداوم نرخ باروری کلی کشور به شکل سالانه؛

فراهم کردن تسهیلات جهت تأمین مسکن خانوارها؛

اختصاص خوابگاههای مجهز به دانشجویان متأهل؛

اضافه شدن سقف سنی استخدامی برای متأهل‌ها به ازای هر فرزند؛

ایجاد شرایط مناسب برای مادران باردار شاغل در محیط کار و تسهیلات مرخصی زایمان؛

پرداخت حق بیمه برای مادران دارای سه فرزند یا بیشتر روستایی یا عشایری غیر شاغل توسط دولت

انواع ساخت سنی جمعیت

الف) ساخت سنی جوان: کشورهایی دارای این نوع ساخت سنی هستند که براساس آزمون حداقل ۴۰ درصد از کل جمعیت آنها گروه سنی کمتر از ۱۵ سال باشند. ویژگی اصلی جمعیت جوان را میتوان داشتن میزان باروری بالا دانست.

ب) ساخت سنی رو به سالخوردگی: کشورهایی که سیاستهای جمعیتی مبنی بر کاهش باروری اتخاذ کرده اند و گامهای اساسی در راه توسعه برداشته اند دارای چنین ساخت سنی هستند. در این جا به دلیل کاهش باروری از درصد گروه سنی کمتر از ۱۵ ساله کاسته شده است.

ج) ساخت سنی سالخورده: کشورهای توسعه یافته صنعتی که از دیرباز میزان باروری آنها کاسته شده و درصد افراد کمتر از ۱۵ ساله بین ۱۵ تا ۲۵ درصد و افراد ۶۵ ساله به بالای آن حدود ۱۷ درصد جمعیت آن را تشکیل می‌دهد. (همان)

رشد جمعیت

نرخ رشد جمعیت، نرخ افزایش طبیعی همراه با اثرات مهاجرت است. بنابراین نرخ بالای افزایش طبیعی را می‌توان با یک مهاجرت خالص بزرگ جبران کرد، و نرخ پایین افزایش طبیعی را می‌توان با سطح بالای مهاجرت خالص جبران کرد. با این حال، به طور کلی، این اثرات مهاجرت بر نرخ رشد جمعیت بسیار کمتر از اثرات تغییرات در باروری و مرگ و میر است. (Britannica, 2000)

ترکیب جمعیت

مهم‌ترین ویژگی‌های یک جمعیت - علاوه بر اندازه آن و سرعت رشد یا انقباض آن - نحوه توزیع اعضای آن بر اساس سن، جنس، طبقه‌بندی قومی یا نژادی و وضعیت سکونت (شهری یا شهری) است. روستایی).

توزیع سنی

شاید اساسی ترین این ویژگی ها توزیع سنی یک جمعیت باشد. جمعیت شناسان معمولاً از اهرام جمعیت برای توصیف توزیع سنی و جنسیتی جمعیت ها استفاده می کنند. هرم جمعیت یک نمودار یا نمودار میله ای است که در آن طول هر میله افقی نشان دهنده تعداد (یا درصد) افراد در یک گروه سنی است. برای مثال، پایه چنین نموداری شامل میله ای است که جوان ترین بخش جمعیت را نشان می دهد، افرادی که مثلاً کمتر از پنج سال سن دارند. هر نوار به بخش های مربوط به تعداد (یا نسبت) مرد و زن تقسیم می شود. در بیشتر جمعیت ها نسبت افراد مسن بسیار کمتر از افراد جوان است، بنابراین نمودار به سمت بالا باریک می شود و کم و بیش مثلثی است، مانند مقطع یک هرم. از این رو نام. جمعیت های جوان با هرم هایی با پایه گسترده ای از کودکان خردسال و راس باریکی از افراد مسن نشان داده می شوند، در حالی که جمعیت های مسن تر با تعداد یکنواخت تر افراد در رده های سنی مشخص می شوند. اهرام جمعیت ویژگی های متفاوتی را برای سه کشور نشان می دهند: باروری بالا و رشد سریع جمعیت (مکزیک)، باروری پایین و رشد آهسته (ایالات متحده)، و باروری بسیار کم و رشد منفی (آلمان غربی). (Britannica, 2000)

بر خلاف تصور رایج، عامل اصلی تمایل به تغییر توزیع سنی جمعیت - و از این رو، جمعیت عمومی اتفاق هرم مربوطه - میزان مرگ و میر یا مرگ و میر نیست، بلکه نرخ باروری است. افزایش یا کاهش مرگ و میر به طور کلی همه گروه های سنی را تا حدودی تحت تاثیر قرار می دهد و از این رو فقط اثرات محدودی بر نسبت در هر گروه سنی دارد. با این حال، تغییر در باروری بر تعداد افراد تنها در یک گروه سنی تأثیر می گذارد. گروه سنی صفر، تازه متولد شده ها هستند. از این رو کاهش یا افزایش باروری تأثیر بسیار متمرکزی در یک انتهای توزیع سنی دارد و در نتیجه می تواند تأثیر عمده ای بر ساختار کلی سنی داشته باشد. این بدان معنی است که ساختارهای سنی جوانی با جمعیت های بسیار بارور، نمونه ای از کشورهای در حال توسعه مطابقت دارد. ساختارهای سنی بالاتر، ساختارهای جمعیت های کم باروری هستند، مانند آنچه در جهان صنعتی رایج است. (Britannica, 2000)

نسبت جنسی

دومین جنبه ساختاری مهم جمعیت، تعداد نسبی مرد و زن تشکیل دهنده آن است. به طور کلی، مردان کمی بیشتر از زن ها متولد می شوند (یک نسبت معمولی ۱۰۵ یا ۱۰۶ مرد به ازای هر ۱۰۰ زن است). از سوی دیگر، برای مردان تقریباً در تمام سنین پس از تولد، مرگ و میر بالاتری را تجربه می کنند. این تفاوت ظاهراً منشا بیولوژیکی دارد. استثناها در کشورهایی مانند هند رخ می دهد، جایی که مرگ و میر زنان ممکن است بیشتر از مردان در دوران کودکی و در سنین باروری باشد، زیرا به دلیل تخصیص نابرابر منابع در خانواده و کیفیت پایین مراقبت های بهداشتی مادری است.

قوانین کلی مبنی بر اینکه مردان بیشتری متولد می شوند اما زنان مرگ و میر کمتری را تجربه می کنند به این معنی است که در دوران کودکی تعداد مردان از زنان هم سن بیشتر است، این تفاوت با افزایش سن کاهش می یابد، در مقطعی از زندگی بزرگسالی تعداد مردان و زنان برابر می شود. و با رسیدن به سنین بالاتر تعداد

مردان به طور نامتناسبی زیاد می شود. برای مثال، در اروپا و آمریکای شمالی، در میان افراد بیش از ۷۰ سال در سال ۱۹۸۵، تعداد مردان به ازای هر ۱۰۰ زن تنها حدود ۶۱ تا ۶۳ نفر بود. اتحاد جماهیر شوروی تنها ۴۰ سال داشت که ممکن است به مرگ و میر بالای مردان در طول جنگ جهانی دوم و همچنین افزایش احتمالی مرگ و میر مردان در طول دهه ۱۹۸۰ نسبت داده شود.)

نسبت جنسی در یک جمعیت پیامدهای مهمی برای الگوهای ازدواج دارد. کمبود مردان در یک سن معین، نرخ ازدواج زنان در همان گروه سنی یا معمولاً آنهایی که تا حدودی جوان تر هستند را کاهش می دهد و این به نوبه خود احتمالاً باروری آنها را کاهش می دهد. در بسیاری از کشورها، قراردادهای اجتماعی الگویی را دیکته می کند که در آن مردان در زمان ازدواج کمی بزرگتر از همسران خود هستند. بنابراین، اگر افزایش چشمگیری در باروری وجود داشته باشد، مانند آنچه که «بنیاد بوم» در دوره پس از جنگ جهانی دوم نامیده می شود، در نهایت می تواند منجر به «فشار ازدواج» شود. یعنی تعداد مردانی که از نظر اجتماعی در سن مناسب ازدواج هستند برای تعداد دختران تا حدودی جوان تر کافی نیست. این امر ممکن است به تعویق ازدواج این زنان، کاهش اختلاف سنی زوجین یا هر دو منجر شود. به طور مشابه، کاهش چشمگیر باروری در چنین جامعه ای در نهایت منجر به ناکافی بودن زنان واجد شرایط برای ازدواج می شود که ممکن است منجر به ازدواج زود هنگام این زنان، افزایش فاصله سنی در ازدواج یا هر دو شود. همه این اثرات به کندی ایجاد می شوند. حداقل ۲۰ تا ۲۵ سال طول می کشد تا حتی کاهش یا افزایش چشمگیر باروری بر الگوهای ازدواج از این طریق تأثیر بگذارد. (Britannica, 2000)

جوانی جمعیت

اصولاً جوانی یا سالخوردگی جمعیت پرسمانها و مشکلات مختلفی را از نقطه نظر برنامه ریزی های اجتماعی و اقتصادی و بویژه سرمایه گذاری های مملکتی به وجود می آورد و با در نظر گرفتن این که گروه سنی (۶۴) ۱۵ ساله هر کشوری جمعیت فعال آن را که در تولید ملی شرکت می کنند تشکیل می دهد و گروه های سنی دیگر یعنی زیر ۱۵ سال و ۶۵ ساله به بالا معمولاً جز نقش مصرف کننده نقش دیگری ندارند بنابراین دولت از دسترنج و تولید و ثمره کار گروه (۶۴) (۱۵) ساله وسایل، آموزشی، بهداشتی ایجاد کار برای گروه جوانان و خدمات اجتماعی برای گروه ۶۵ ساله به بالا را تأمین می کند (جوان، ۱۳۶۷: ۴۷).

جوامعی که طبقه جوان یعنی افراد زیر ۲۰ سال حدود نصف جمعیت آنان را تشکیل میدهد بخش بزرگی از تیروی کار خلاق جمعیت فعال به مصرف تأمین معیشت نورسیدگان که تعدادشان فراوان است میرسد و مسلماً کوشش افراد در این گونه کشورها بیشتر متوجه امرار معاش خواهد بود. نباید چنین تصور شود که پیری جمعیت با فشرده شدن پایه هرم سنی در نتیجه کمی موالید مطابقت خواهد داشت که خود باعث کاهش هزینه های اجتماعی نظیر سرمایه گذاری های آموزشی و نظایر آن خواهد بود. در حالی که درست عکس قضیه صادق است یعنی وقتی درصد پیران در جمعیت بالا رود باید نوعی سرمایه گذاری بدون بازده برای تأمین آسایش و رفاه جامعه صورت گیرد در صورتی که سرمایه گذاریها روی افراد کم سال و گروه جوانان ولو به مدت طولانی بازده قابل توجهی را در آینده در بر خواهد داشت. (جوان، ۱۳۶۷: ۹۷)

در بررسی و تحلیل نهایی پیامدهای جوانی جمعیت می‌توان افزود که در جمعیت جوان حدود ۵۰ درصد جمعیت نقشی در تولید و افزایش آن ندارند و صرفاً مصرف کننده هستند، حال آن که در جمعیت سالخورده این نسبت به حدود ۳۰ الی ۳۵ درصد می‌رسد.

در جمعیت جوان مرگ و میر کودکان بسیار بالا و امید زندگی در آنها به شدت پایین است اما در جمعیت سالخورده وضع درست برعکس است. ساخت سنی جوان مرتباً سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در جهت ارائه خدمات بهداشتی، آموزشی، رفاهی و مسکن برای جمعیت ۱۴-۰ ساله که به سرعت به سن بزرگسالی خواهند رسید می‌طلبد. اما در جمعیت سالخورده مشکلات عمده‌ای نظیر هزینه‌های بالای بهداشتی و درمانی، کاهش جمعیت فعال و در آینده کمبود نیروی انسانی مطرح می‌شود (تمنا، ۱۳۷۵: ۱۱۰ و ۱۱۱). علت اصلی سالخوردگی جمعیت کاهش مداوم باروری است و بنابراین ایران در آینده نزدیک با سالخوردگی جمعیت روبرو خواهد بود بلکه جمعیت آن در آینده تیز جوانتر خواهد شد ولی شدت آن نسبت به گذشته کاهش خواهد یافت.

جامعه ایران در حال تحول بوده و به تدریج شهری و صنعتی می‌گردد و ویژگی‌های اجتماعی اخیر نیز در آن تکوین یافته و به زودی وضع سالخوردگان پرسمانی را برای کشور ما به وجود خواهد آورد. شایسته است در طرح برنامه‌ریزی‌های رفاهی برای سالمندان تمام جوانب امر از جمله عادات و رسوم و سنن جامعه ایرانی مورد توجه قرار گرفته و زندگی مرفه و آرام و بی‌آلایش را برای سالمندان تأمین نماید (جوان، ۱۳۶۷: ۹۹).

نظریه‌های جمعیت‌شناسی

گروهی افزایش جمعیت را مایه برکت و فراوانی، منشاء قدرت و محرک اصلی پیشرفت و ترقی اقتصادی می‌دانسته‌اند. از این گروه می‌توان به عنوان طرفداران ازدیاد جمعیت یا حامیان افزایش مولید تعبیر کرد. دسته دیگر، برعکس زیادی جمعیت را موجب بهم خوردن تعادل و هم‌آهنگی لازم بین امکانات زندگی و تعداد نفوس و فراهم آمدن موجبات فقر و تیره‌روزی و فساد اخلاق و منشاء نابودی و انهدام بشریت تلقی کرده‌اند. گروه اخیر را طرفداران محدودیت جمعیت و یا مخالفان افزایش مولید می‌نامند.

گروه سوم، به مخالفت با نظریات هر دو گروه یاد شده پرداخته معتقد به لزوم تثبیت تعداد جمعیت و جلوگیری از تغییرات آن چه در جهت افزایش و چه در جهت کاهش شده‌اند طرفداران تثبیت جمعیت)

دسته چهارم عاقلانه‌ترین و منطقی‌ترین طریق را برگزیده، درصدد یافتن و تعیین جمعیت متناسب (مطلوب) - یعنی میزان جمعیتی که با امکانات طبیعی، اقتصادی، یک جامعه متناسب و هم‌آهنگ باشد - برآمده‌اند طرفداران نظریه حد متناسب جمعیت با قاطعیت می‌توان گفت که تقریباً تمامی نظریات جمعیتی که تاکنون اظهار شده‌اند در اساس شده‌اند به یکی از ۴ گروه ذکر شده که ذیلاً به تشریح اجمالی آنها خواهیم پرداخت - متعلق و یا متمایل‌اند (کتابی، ۱۳۶۴: ۱۸).

۱.. چه چیزی یک ملت را برتر یا پایین تر از دیگران می‌کند؟ مناطق تمرکز باید چه باشد توسعه ملت؟ برای ساختن یک ملت چه عناصری باید کنار هم قرار گیرد رونق؟ این سؤالات از زمان‌های قدیم موضوع بحث بوده است. مفهوم به اصطلاح «عوامل یا عناصر قدرت ملی» با گذشت زمان تکامل یافته است. جدید گرفته است شکل و معانی با ظهور سرمایه داری، انقلاب صنعتی، مدرن حمل و نقل و ارتباطات و اخیراً اینترنت.

۲. قدرت توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران برای رسیدن به نتیجه مطلوب است. برخی از عواملی که از نظر اکثر علما از عناصر قدرت ملی محسوب می شوند شامل جغرافیا، منابع طبیعی، جمعیت، رهبری، کیفیت حکمرانی، وسعت توسعه اقتصادی، ظرفیت صنعتی، فناوری، نظامی، ایدئولوژی، ملی شخصیت و روحیه، دیپلماسی، حمایت خارجی، از جمله. ملاحظات برای تحلیل قدرت ملی.

۳. بسیاری از محققان مانند فرانکل، مورگنتاو، ارگانسکی، عبدالسعید، به نام چند نفر، سعی کرده اند این عوامل را گروه بندی کنند. برخی از این طبقه بندی ها شامل دائمی و موقت، طبیعی و اجتماعی، و محسوس و ناملموس. می توان قدردانی کرد که حتی به نظر می رسد که مرزهای بین این طبقه بندی ها با گذشت زمان - عوامل یک بار - از بین می روند در نظر گرفته شده دائمی مانند جغرافیا می تواند موقتی باشد. به طور مشابه طبیعی عواملی مانند جمعیت در اثر عوامل جهانی شدن سریع تغییر شکل می دهند.

تغییرات اجتماعی

۴. همه عناصر قدرت ملی از طریق یک مجموعه به یکدیگر وابسته هستند شبکه علت و معلول بسته به جغرافیای یک ملت و روابط آن با دیگران ملت ها، قدرت در چند عنصر می تواند کمبود را در بقیه بپوشاند. به عنوان نتیجه، کمبود در چند عنصر حیاتی می توانند همه عناصر دیگر را بی فایده جلوه دهند. بنابراین قدرت ملی می تواند به عنوان یک مفهوم پیچیده در نظر گرفته می شود که به شدت وابسته به زمینه است. یک ترکیب خاص عناصر ملی ممکن است یک ملت را در یک نقطه از جهان یا در نقطه ای ابرقدرت بسازند در زمان، اما ممکن است در یک زمینه متفاوت کافی نباشد.

۵. قدرت ملی یک مفهوم نسبی است. قدرت واقعی یک ملت همیشه نسبت به همسایگان و رقبای هر ملت دیگری مقایسه می شود.

جمعیت جوان

داشتن جمعیت جوان فواید زیادی به همراه دارد. اولاً، این روند نیروی کار مولد قابل توجهی را در اختیار کشورها قرار می دهد. این به دلیل این واقعیت است که اکثر جوانان دارای سلامت جسمانی، خلاقیت و اشتیاق هستند که تقاضای روزافزون برای مشاغل پر زحمت یقه آبی همراه با مشاغل یقه سفید را برآورده می کند. ثانیاً، داشتن شهروندان جوان شاغل بیشتر برابر با یک پایه مالیاتی کافی است. به طور خاص، مالیات های پرداخت شده توسط کارگران نه تنها به توسعه اقتصاد کشورها کمک می کند، بلکه می تواند در پیشرفت خدمات اجتماعی مانند آموزش و مراقبت های بهداشتی نیز سرمایه گذاری شود.

از سوی دیگر، چنین نسبتی از جمعیت، تهدیدات متعددی را برای کشورها به همراه دارد. اولاً، ازدحام بیش از حد جمعیت جوان بر خدمات اجتماعی موجود فشار وارد می کند. به عنوان مثال، افزایش نیروی کار معمولاً با کمبود غذا، آب و مسکن یا مصرف گرایی ضد تولید همراه است. بنابراین، ساکنان ممکن است سطح زندگیضعیفی داشته باشند و شکاف بین فقیر و غنی افزایش یابد. ثانیاً، اشکالات بعدی بیشتر از جمعیت ممکن است در نتیجه روند فوق الذکر رخ دهد. محیط کار رقابتی و تقاضای دائمی برای مشاغل پردرآمد و پردرآمد احتمالاً منجر به بیکاری و در نتیجه افزایش مورد انتظار در نرخ جرم و جنایت به ویژه بزهکاری نوجوانان می شود. فقر، بی سواد و غیره.

در نتیجه، در حالی که بخش جمعیتی جوان، پتانسیل اقتصادی را برای کشورها فراهم می کند. بسیاری از مردم را از شرایط استاندارد زندگی محروم می کند. از دیدگاه من، در این شرایط، معایب به سختی بیشتر از مزایای آن است.

عناصر قدرت ملی

قدرت ملی را می توان ترکیبی از عناصری مانند جمعیت، وسعت، قلمرو، منابع طبیعی، قدرت اقتصادی، نیروی نظامی و ثبات اجتماعی و غیره در نظر گرفت. با این وجود، وجود یک یا چند عنصر به تنهایی نمی تواند تضمین کننده قدرت ملی باشد. به همین ترتیب، فقدان یک عنصر لزوماً به معنای کاهش قدرت ملی نیست. به عنوان مثال، اندازه بزرگ از هند، برزیل یا عربستان سعودی؛ جمعیت بزرگ هند، پاکستان یا بنگلادش، ترکیب صنعتی بلژیک؛ و ارتش درجه یک سوئیس آنها را به قدرت های بزرگ تبدیل نمی کند.

عامل مهم دیگر، تمایز بین داشتن عناصر قدرت (قدرت بالقوه) و تبدیل این عناصر به قدرت واقعی است. عناصر قدرت ملی توسط دانشمندان مختلف به دسته های مختلفی تقسیم شده است. این عناصر از نظر طبیعی (جغرافیا، منابع و جمعیت) و اجتماعی (اقتصادی، سیاسی، نظامی، روانی، اطلاعاتی و غیره) است. مورگنتا عناصر را به دو گروه تقسیم می کند، آنهایی که نسبتاً پایدار هستند (جغرافیا و منابع طبیعی) و آنهایی که در معرض تغییر دائمی هستند (ظرفیت صنعتی، آمادگی نظامی، جمعیت، شخصیت ملی، روحیه ملی، کیفیت دیپلماسی، کیفیت دولت)، کولومبیس و ولف (۱۳۷۵) قدرت ملی را به صورت ملموس (جمعیت، قلمرو، منابع طبیعی و ظرفیت صنعتی، کشاورزی) توصیف می کنند. ظرفیت، قدرت نظامی و تحرک) و اصطلاحات ناملموس (رهبری و شخصیت، کارایی بوروکراتیک-سازمانی، نوع حکومت، انسجام اجتماعی، شهرت، حمایت خارجی و دیپلماسی، حوادث). در پاراگراف های بعدی مورد بحث قرار می گیرند (Azhar, 2014: 86).

روش تحقیق

این تحقیق موردی-زمینه ای است و اطلاعات مربوط به متغیرها با نظر خواهی از خبرگان کسب و با ارائه در جامعه نمونه با روش خنثی ۲ مورد آزمون قرار گرفته و با ضریب توافقی C شدت همبستگی (دلور، ۱۳۸۹: ۳۵۶) آن محاسبه گردیده است.

یافته های تحقیق

پارامترهایی مانند اندازه، توزیع سنی، توزیع جغرافیایی، ساختار قومی/مذهبی، کیفیت افراد، و غیره. پویایی رشد جمعیت، الگوهای اسکان و جابجایی در سراسر مرزها تأثیر عمده ای بر پتانسیل قدرت یک دولت خواهد داشت. بنابراین، عوامل جمعیت شناختی باید به عنوان یکی از عوامل بالقوه مهم در قدرت دولت ها در نظر گرفته شوند. جمعیت زیاد یک پیش نیاز کلیدی است، اما تضمینی مطلق برای قدرت ملی نیست. کیفیت، کمیت، روحیه، اراده مردم، تغییرات جمعیتی و فشارهای جمعیتی همگی عوامل تعیین کننده مهمی برای قدرت ملی هستند که تابع زمینه های مختلف ژئوپلیتیک هستند. بنابراین، در حالی که برای یک قدرت بزرگ بالقوه داشتن جمعیت نسبتاً زیاد مهم است، اما در دسترس بودن و آمادگی این اعداد برای انجام وظایف مختلف که یک ملت را بزرگ می کند، از اهمیت بیشتری برخوردار است. این وظایف ممکن است از تامین غذا و امنیت (نظامی) تا توسعه

اقتصادی و صنعتی، از تحقیقات و دانشگاهی تا سایر فعالیت های اجتماعی را شامل شود. بنابراین درک این موضوع مهم است که چرا با وجود کشورهایی مانند چین و هند که بزرگتر هستند، ایالات متحده تنها ابرقدرت است. ترکیبات حتی کشورهایی مانند ژاپن و سنگاپور با جمعیت بسیار کمتر ممکن است نسبت به کشورهای با جمعیت بسیار بیشتر در شاخص قدرت ملی رتبه بسیار بالاتری داشته باشند. به گفته مورگنتا، ۱۸ افزایش تاریخی قدرت آمریکا تا حدودی مرهون ورود بیش از ۱۰۰ میلیون مهاجر بین سال های ۱۸۲۴ و ۱۹۲۴ است. از سوی دیگر، در طول همین قرن، کانادا و استرالیا از نظر قلمرو و توسعه قابل مقایسه بودند. اما با جمعیتی کمتر از یک دهم آمریکا، قدرت های ثانویه باقی ماندند. اگر قانون مهاجرت سال ۱۹۲۴ که تعداد مهاجران به ایالات متحده را به ۱۵۰۰۰۰ نفر در سال محدود می کرد، نیم قرن قبل اجرا می شد، ممکن بود ایالات متحده از این عامل مهم در شکوه خود محروم می شد. بنابراین، کشورهایی که برای قدرت با یکدیگر رقابت می کنند، باید از اندازه و روند جمعیت در میان رقبای خود آگاه باشند. با این حال، مانند بسیاری از عوامل دیگر، جمعیت ممکن است بار منفی نیز داشته باشد. از این رو، نیاز به حفظ تعادل بین جمعیت و منابع وجود دارد. بدون منابع لازم برای تغذیه و نگهداری، جمعیت بزرگ حتی ممکن است به یک بدهی تبدیل شود. جابجایی کنونی قدرت از غرب به شرق، علاوه بر عوامل دیگر، مدیون روند جمعیت در کشورهای شرقی است که نیروی کار قابل توجهی در اختیار دارند. هرچند باید تاکید کرد که تنها داشتن جمعیت زیاد کافی نیست، بلکه یک جمعیت بالقوه مفید است، یعنی تغییر قدرت کنونی از غرب به شرق، علاوه بر عوامل دیگر، مرهون روند جمعیت در کشورهای شرقی نیز است. جمعیت ماهر در گروه سنی مناسب (بین ۲۰ تا ۴۵ سال). به گفته برخی کارشناسان، یکی از مشکلات بحران مالی کنونی در ایالات متحده نیز ممکن است نسل «بچه های پررونق» باشد که به سنی می رسند که در آن نیروی کار را ترک می کنند و ادعای حقوق اجتماعی بسیار بالایی دارند (Azhar, 2014: 90).

در آینده، روندهای جهانی نیز بر ساختار و تعادل جمعیت ملی، به ویژه جمعیت فقیرترین کشورها تأثیر خواهد گذاشت. در سال ۱۸۳۰، جمعیت جهان برای اولین بار به یک میلیارد رسید. ۱۰۰ سال طول کشید تا دو برابر شود. تنها ۴۵ سال دیگر (۱۹۷۵) طول کشید تا جمعیت دوباره دو برابر شد و به چهار میلیارد رسید. در ۲۱ سال آینده، جمعیت تقریباً دو میلیارد افزایش یافت که نشان دهنده نرخ رشد حدود ۹۰ میلیون نفر در سال است. برای چندین دهه آینده، ۹۰ درصد از این رشد در کشورهای کمتر توسعه یافته رخ خواهد داد، که بسیاری از آنها در حال حاضر تحت فشار بیش از حد جمعیت هستند و هیچ راه حلی در قالب زیرساخت های اقتصادی، مهارت ها و سرمایه وجود ندارد. موارد فوق توضیح می دهد که چرا چین قوانین سختگیرانه ای را برای کنترل بارداری اعمال می کند. با این حال، هند که نتوانسته است گسترش تولد خود را کنترل کند، به زودی از چین به عنوان پرجمعیت ترین کشور خارج خواهد شد. این ممکن است بزرگترین مانع در تلاش هند برای کسب مقام قدرت بزرگ باشد زیرا تقریباً نیمی از جمعیت هند زیر فقر زندگی می کنند. با توجه به اینکه ازدیاد جمعیت منجر به ناامنی می شود. آلدوس هاکسلی در سال ۱۹۵۸ پیشگویی جالبی کرد:

افزایش جمعیت منجر به ناامنی اقتصادی و ناآرامی اجتماعی می شود. ناآرامی و ناامنی منجر به کنترل بیشتر دولت مرکزی و افزایش قدرت آنها می شود. با توجه به این واقعیت، احتمال افزایش جمعیت که از طریق ناآرامی به دیکتاتوری منتهی شود به یک قطعیت مجازی تبدیل می شود. این یک شرط کاملاً مطمئن است که بیست

سال بعد، همه کشورهای پرجمعیت و توسعه نیافته جهان تحت نوعی حکومت توتالیتار باشند (Azhar, 2014: ۹۲). فتحی در تحقیقی به نام نگاهی به گذشته، حال و آینده جمعیت ایران در چهار سناریو موارد زیر را برای سال ۱۴۳۰ پیش‌بینی کردن است.

جدول ۲- پیش‌بینی جمعیت کل کشور با چهار سناریو: ۱۳۹۵ تا ۱۴۳۰

سال‌های پیش‌بینی	سناریو اول: افزایش باروری کل به بالاتر از سطح جانشینی (۲٫۶ فرزند)	سناریو دوم: تثبیت باروری کل (۲٫۱ فرزند)	سناریو سوم: کاهش شدید باروری (۱٫۵ فرزند)	سناریو چهارم: کاهش باروری با شیب ملایم (۱٫۹ فرزند)
۱۳۹۵	۸۰'۰۳۸'۱۶۷	۸۰'۰۳۸'۱۶۷	۸۰'۰۳۸'۱۶۷	۸۰'۰۳۸'۱۶۷
۱۴۰۰	۸۵'۱۵۹'۳۳۰	۸۴'۹۷۴'۰۵۲	۸۴'۷۸۵'۳۴۴	۸۴'۹۱۲'۲۹۳
۱۴۰۵	۸۹'۹۹۱'۱۲۴	۸۹'۲۳۶'۲۴۴	۸۸'۵۴۱'۰۹۹	۸۹'۰۲۲'۴۰۶
۱۴۱۰	۹۴'۴۷۲'۰۰۳	۹۲'۸۲۱'۳۶۰	۹۱'۱۴۱'۳۰۱	۹۲'۳۳۸'۹۰۶
۱۴۱۵	۹۸'۹۵۸'۸۷۶	۹۶'۰۰۹'۰۰۱	۹۳'۰۰۳'۰۹۱	۹۵'۱۰۳'۹۸۵
۱۴۲۰	۱۰۳'۵۶۵'۷۶۴	۹۹'۰۱۳'۶۱۳	۹۴'۴۲۸'۰۵۰	۹۷'۵۹۰'۸۹۶
۱۴۲۵	۱۰۸'۱۴۸'۲۴۰	۱۰۱'۷۸۱'۴۷۴	۹۵'۳۰۴'۲۱۸	۹۹'۷۸۸'۴۸۸
۱۴۳۰	۱۱۲'۴۷۵'۴۵۸	۱۰۴'۰۱۷'۵۸۸	۹۵'۳۱۷'۶۴۶	۱۰۱'۳۹۲'۳۲۰

منبع: (فتحی، ۱۳۹۹)

جدول ۳- پیش‌بینی نرخ باروری جمعیت کل کشور با چهار سناریو: ۱۳۹۵ تا ۱۴۳۰

سال‌های پیش‌بینی	سناریو اول: افزایش میزان باروری کل به بالاتر از سطح جانشینی (۲٫۶ فرزند)	سناریو دوم: تثبیت میزان باروری کل (۲٫۱ فرزند)	سناریو سوم: کاهش شدید باروری (۱٫۵ فرزند)	سناریو چهارم: کاهش باروری با شیب ملایم (۱٫۹ فرزند)
۱۳۹۵-۱۴۰۰	۱/۲۵	۱/۲۰	۱/۱۶	۱/۱۹
۱۴۰۰-۱۴۰۵	۱/۱۱	۰/۹۸	۰/۸۷	۰/۹۵
۱۴۰۵-۱۴۱۰	۰/۹۸	۰/۷۹	۰/۵۸	۰/۷۳
۱۴۱۰-۱۴۱۵	۰/۹۳	۰/۶۸	۰/۴۱	۰/۵۹
۱۴۱۵-۱۴۲۰	۰/۹۱	۰/۶۲	۰/۳۰	۰/۵۲
۱۴۲۰-۱۴۲۵	۰/۸۷	۰/۵۵	۰/۱۸	۰/۴۵
۱۴۲۵-۱۴۳۰	۰/۷۹	۰/۴۴	۰/۰۰	۰/۳۲

منبع: (فتحی، ۱۳۹۹)

در صورت تحقق فرض اول در سال ۱۴۳۰ با جمعیت سالمند (۱۶/۸ درصد) روبه‌رو خواهیم بود. در صورت عملی شدن فرض دوم درصد جمعیت (۱۴-۰ سال) و درصد جمعیت فعال (۶۴-۱۵ سال) کاهش و در مقابل

درصد جمعیت ۶۵ سال و بیشتر افزایش خواهد داشت. در این حالت نیز با جمعیت سالمند (۱۸/۲ درصد) روبه رو خواهیم شد.

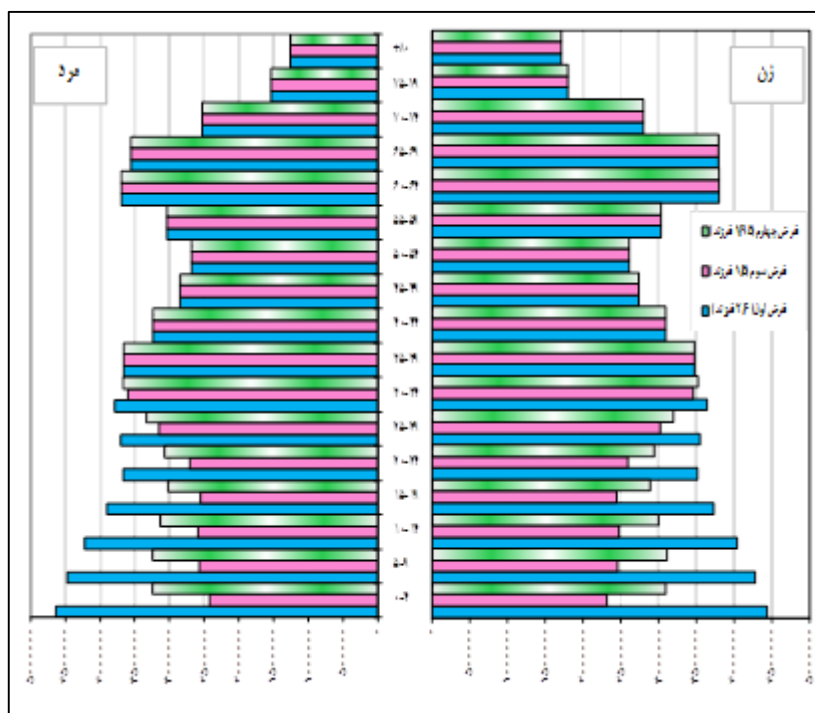
در صورت تحقق فرض سوم پیش‌بینی، درصد جمعیت ۱۵-۶۴ سال کاهش و در مقابل جمعیت بالاتر از ۶۵ سال افزایش خواهد داشت. در چنین حالتی هم با جمعیتی رو به سوی سالمندی (۱۹/۹ درصد) روبه رو خواهیم بود، که نیاز به بودجه، امکانات و برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های خاص خود را دارد. بالاخره در صورت تحقق فرض آخر، درصد جمعیت جوان (۱۸/۶ درصد) با جمعیت سالمند (۱۸/۷ درصد) تقریباً برابر خواهد بود.

بر اساس پیش‌بینی انجام شده در سال‌های ۱۴۱۰ و ۱۴۳۰ هجری شمسی ساختمان سنی و جنسی جمعیت به اشکال زیر خواهد بود:

الف) در صورت تحقق فرض اول: شکل هرم سنی استوانه‌ای خواهد بود. به عبارتی تعداد کودکان و نوجوانان تفاوت چشمگیری با افراد سالخورده نخواهد داشت. در این حالت رشد جمعیت بسیار کند خواهد بود.

ب) در صورت عملی شدن فرض دوم: شکل هرم سنی نامرتب خواهد بود. به بیانی دیگر ساختمان سنی جنسی جمعیت در حال گذار از جمعیت جوان به جمعیت سالخورده خواهد بود. در این حالت رشد جمعیت آهسته خواهد بود.

ج) در صورت تحقق فروض سوم و چهارم: شکل هرم سنی مجدداً مثلی شکل خواهد شد. به بیانی دیگر قاعده هرم سنی وسیع و رأس آن جمع شده، یعنی تعداد زیادی از افراد در سنین کودکی و نوجوانی قرار خواهد داشت. در این حالت رشد جمعیت سریع خواهد بود.



شکل ۱- پیش‌بینی هرم سنی جمعیت کشور با سه فرض پیش‌بینی در افق ۱۴۳۰ منبع: (فتحي، ۱۳۹۹)

نسبت جنسی برای هر سناریو حاکی از آن است که در صورت تحقق هر کدام از آنها، جمعیت سالمند به سمت زنانه شدن پیش خواهد رفت. توضیح این که در روند سالخورده شدن جمعیت، غالباً وضعیت دو جنس با همدیگر تفاوت دارد. مردان به طور کلی، میزان مرگ و میر بالاتری نسبت به زنان دارند و امید زندگی آنها عموماً کمتر از زنان است، بنا بر این، تعداد زنانی که به سنین سالخوردگی می‌رسند به مراتب بیش از مردان است. در اکثر کشورها، نسبت جنسی در سنین سالخوردگی گویای همین امر است به طوری که برخی سخن از زنانه شدن، سالخوردگی به میان آورده‌اند. در ارتباط با همین موضوع، تعداد بیشتری از زنان در دوران سالمندی فاقد همسر بوده و تنهایی را بیش از مردان تجربه می‌کنند (فتحی، ۱۳۹۹).

تجزیه و تحلیل داده‌ها

همانگونه که در متن اشاره شده جغرافیا و جمعیت به عنوان یک عامل قدرت ملی شناخته شده است و نظریات جمعیت شناسی به چهار صورت طرفداران افزایش جمعیت و طرفداران کاهش جمعیت و طرفداران ثبات جمعیت و طرفداران افزایش جمعیت متناسب با امکانات کشور آمده است. با بیان پیامدهای افزایش جمعیت جوان در سه فرض در افق ۱۴۳۰ پرداخته ایم. در اینجا می‌خواهیم بدانیم که جمعیت جوان چگونه می‌تواند بر قدرت ملی یک کشور تاثیر گذار باشد لذا با توجه به تعداد جامعه نمونه اقدام به تهیه یک پرسشنامه در ۱۱۸ نسخه بر مبنای موارد مورد نیاز عنوان شده و ابتدا با معرفی پرسش شوندگان تجزیه و تحلیل را آغاز می‌نمائیم برای معرفی پرسش شوندگان تعداد ۵ سؤال شناسایی در خصوص؛ میزان تحصیلات، سابقه‌ی کار، سابقه‌ی مسئولیت در جایگاه فعلی، سابقه‌ی مسئولیت در مشاغل مدیریت/فرماندهی و بالاترین محل سازمانی که تاکنون منصوب شده‌اید به عمل آمده که به شرح زیر معرفی و تعیین می‌گردد.

الف) میزان تحصیلات:

جدول ۴- فراوانی پاسخ‌های میزان تحصیلات

نظر مقایسه‌ای	کارشناس	کارشناس ارشد	دکتری	جمع
فراوانی	-	۱۰۲	۱۶	۱۱۸
درصد فراوانی	۰	٪ ۸۱/۱۲	٪ ۱۸/۸۸	۱۰۰

با توجه به اینکه عوامل موثر بر قدرت ملی یک کشور، نیاز به استفاده از نظرات افرادی مجرب و با مدارک تحصیلی بالا دارد، لذا همان‌طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود ٪ ۸۱/۱۲ پاسخ‌گویان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و ٪ ۱۸/۸۸ آنها دارای مدرک دکتری هستند و مورد تأیید تحقیق می‌باشد.

ب) سابقه کار:

جدول ۵- فراوانی پاسخ‌های سابقه‌ی کار

نظر مقایسه‌ای	۲۰ تا ۲۵ سال	۲۵ سال تا ۳۰	بالاتر از ۳۰ سال	جمع
فراوانی	۲۶	۸۱	۱۱	۱۱۸
درصد فراوانی	٪ ۲۲/۰۳	٪ ۶۸/۶۴	٪ ۹/۳۲	۱۰۰

با توجه به جدول فوق مشاهده می‌شود که در حدود ۷۷/۹۶٪ از پاسخ‌دهندگان دارای بیش از ۲۵ سال سابقه خدمتی می‌باشند و تنها ۲۲/۰۳٪ آنها کمتر از ۲۵ سال سابقه خدمتی دارند.
پ) سابقه‌ی مسئولیت در جایگاه فعلی:

جدول ۶- فراوانی پاسخ‌های سابقه‌ی مسئولیت در جایگاه فعلی

نظر مقایسه‌ای	۳ تا ۵ سال	۵ سال تا ۱۰	بالاتر از ۱۰ سال	جمع
فراوانی	۳	۸۵	۳۰	۱۱۸
درصد فراوانی	۲/۵٪	۷۲٪	۲۵٪	۱۰۰

در زمینه سابقه‌ی مسئولیت در جایگاه فعلی نیز مشاهده می‌شود که در حدود ۹۷٪ از پاسخ‌دهندگان دارای بیش از ۵ سال سابقه‌ی مسئولیت در جایگاه فعلی می‌باشند.
ت) سابقه مسئولیت در مشاغل مدیریت/فرماندهی:

جدول ۷- فراوانی پاسخ‌های سابقه‌ی مسئولیت در مشاغل مدیریت/فرماندهی

نظر مقایسه‌ای	مشاغل فرماندهی	مشاغل مدیریتی	مشاغل فرماندهی و مدیریتی	جمع
فراوانی	۲۸	۲۰	۷۰	۱۱۸
درصد فراوانی	۲۳/۷٪	۱۶/۹۴٪	۵۹/۳۲٪	۱۰۰

جدول فوق بیانگر آن است که بیش از ۵۰٪ پاسخ‌دهندگان را افرادی تشکیل می‌دهند که در دوران خدمت خود هم در مشاغل فرماندهی و هم در مشاغل مدیریتی حضور داشته‌اند که این امر خود دلیلی بر قابلیت اعتماد نتایج این تحقیق می‌باشد.
ث) جایگاه شغلی:

جدول ۸- فراوانی پاسخ‌های جایگاه شغلی

نظر مقایسه‌ای	جایگاه شغلی ۲۱	جایگاه شغلی ۲۰	جایگاه شغلی ۱۹	جایگاه شغلی ۱۸	جمع
فراوانی	۷	۱۱	۴۵	۵۵	۱۱۸
درصد فراوانی	۵/۹٪	۹/۳۲٪	۳۸/۱٪	۴۶/۶٪	۱۰۰

در زمینه جایگاه شغلی نیز مشاهده می‌شود تمامی پاسخ‌دهندگان دارای جایگاه شغلی بالاتر از ۱۸ می‌باشند. که این امر خود دلیلی بر قابلیت اعتماد نتایج این تحقیق می‌باشد.

محققین برای تحلیل داده‌ها که از نوع گسسته و طبقه‌ای هستند و مقیاس آنها اسمی یا رتبه‌ای باشد باید از آمارهای ناپارامتریک استفاده نموده است (دلوری، ۱۳۸۸، ۳۲۲) لذا محققین در اینجا از آزمون مجذور کا استفاده نموده‌اند. ابتدا یک جدول توافقی ۲×۵ ترسیم نموده و با استفاده از روش نیکویی برازش بین استقلال متغیرها و ارتباط آنها آزمون انجام داده‌ایم که در این تحقیق فرض استقلال رد و ارتباط معنی دار آنها اثبات گردیده است. در انتها با استفاده از ضریب توافقی میزان همبستگی آنان را بدست آمد.

H1- بین افزایش جمعیت جوان (بعنوان یک مولفه جغرافیای جمعیت) با افزایش قدرت ملی کشور جمهوری اسلامی ایران رابطه معنی داری وجود دارد.

H0- بین افزایش جمعیت جوان (بعنوان یک مولفه جغرافیای جمعیت) با افزایش قدرت ملی کشور جمهوری اسلامی ایران رابطه معنی داری وجود ندارد.

آزمون فرضیه ۱: بین جمعیت جوان (بعنوان یک مولفه جغرافیای جمعیت) متناسب با قدرت ملی کشور جمهوری اسلامی ایران رابطه معنی داری وجود دارد.

Frequencies					Test Statistics	
	افزایش جمعیت جوان					افزایش جمعیت جوان
	Category	Observed N	Expected N	Residual		
۱	خیلی کم	۰	۲۳/۶	- ۲۳/۶	Chi-Square	۳۱/۵۸
۲	کم	۳۸	۲۳/۶	۱۴/۴	df	۴
۳	متوسط	۴۰	۲۳/۶	۱۶/۴	Asymp. Sig.	.۰۰۱
۴	زیاد	۴۰	۲۳/۶	۱۶/۴		
۵	خیلی زیاد	۰	۲۳/۶	- ۲۳/۶		
Total		۱۱۸				

با توجه به مقدار χ^2 محاسبه شده (۳۱/۵۸) که بیشتر از مقدار χ^2 بحرانی یا جدولی (۹/۴۸۸) با درجه‌ی آزادی ۴ می‌باشد. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت که؛ بین جمعیت جوان (بعنوان یک مولفه جغرافیای جمعیت) با قدرت ملی کشور جمهوری اسلامی ایران رابطه معنی داری وجود دارد.

H1- بین افزایش جمعیت جوان (بعنوان یک مولفه جغرافیای جمعیت) با افزایش قدرت ملی کشور ج.ا.ایران رابطه معنی داری وجود دارد.

H0 - بین افزایش جمعیت جوان (بعنوان یک مولفه جغرافیای جمعیت) متناسب با وضعیت اقتصادی با افزایش قدرت ملی کشور ج.ا.ایران رابطه معنی داری وجود ندارد.

آزمون شماره‌ی ۲: بین جمعیت جوان (بعنوان یک مولفه جغرافیای جمعیت) متناسب با وضعیت اقتصادی با افزایش قدرت ملی کشور جمهوری اسلامی ایران رابطه معنی داری وجود دارد.

Frequencies					Test Statistics	
	جمعیت جوان متناسب با وضعیت اقتصادی					جمعیت جوان متناسب با وضعیت اقتصادی
	Category	Observed N	Expected N	Residual		
۱	خیلی کم	۶	۲۳/۶	-۱۷/۶	Chi-Square	۸۴/۵۷
۲	کم	۵۱	۲۳/۶	۲۷/۴	df	۴
۳	متوسط	۵۱	۲۳/۶	۲۷/۴	Asymp. Sig.	.۰۰۱
۴	زیاد	۱۰	۲۳/۶	-۱۳/۶		
۵	خیلی زیاد	۰	۲۳/۶	-۶/۴		
Total		۱۱۸				

با توجه به مقدار χ^2 محاسبه شده (۸۴/۵۷) که بیشتر از مقدار χ^2 بحرانی یا جدولی (۹/۴۸۸) با درجه‌ی آزادی ۴ می‌باشد. بنابراین با اطمینان ۹۵٪ می‌توان گفت که؛ افزایش جمعیت جوان (بعنوان یک مولفه جغرافیای جمعیت) متناسب با وضعیت اقتصادی به میزان زیاد در و افزایش قدرت ملی ج.ا.ایران معنی دار است.

نتیجه‌گیری

با تجزیه و تحلیل صورت گرفته اثبات شد جغرافیای جمعیت و مؤلفه‌های گوناگون آن به شکل مستقیم یا غیرمستقیم بر امنیت ملی تأثیرگذار است. البته رابطه جمعیت و امنیت از حالت سنتی قطعی و خطی خارج شده است. لیکن فراوانی جمعیت تضمینی برای برقراری امنیت کامل جوامع امروزی محسوب نمی‌شود. با عنایت به جایگاه فناوری، تخصص، خلاقیت و بهره‌وری در عرصه نبرد، اهمیت کیفیت جمعیت از کمیت آن بیشتر جلوه می‌کند.

جغرافیای جمعیت و الگوی تراکم و توزیع جغرافیایی جمعیت، ترکیب سنی و ساختار جمعیتی، نسبت قومیتی و مذهبی در شهرهای مختلف، مرزنشینی و مرکز نشینی، مهاجرت‌های داخلی و خارجی، از جمله مقولاتی است که مفاهیم راهبردی جمعیت و امنیت ملی را به یکدیگر گره زده است (خرمشاد و همکاران، ۱۳۹۸: ۷). افزایش یا کاهش جمعیت باید منطقی باشد؛ چرا که جمعیت زیاد صرفاً با وجود شرایط مناسب، بستر لازم و تعادل میان جمعیت و امکانات و فرصت‌ها می‌تواند منبعی مهم در جهت افزایش قدرت دولت باشد، در غیر این صورت ممکن است خود به عنوان عامل محدودکننده قدرت دولت به ایفای نقش بپردازد. در این تحقیق مشخص شد جغرافیا و جمعیت به عنوان عاملی مؤثر در شکل‌دهی به قدرت کشورها به‌ویژه در ابعاد نظامی، سیاسی و اقتصادی مطرح است. به طوری که رشد جمعیت به عنوان یک عامل جغرافیای جمعیت در یک جامعه و کشور به معنای قدرت بیشتر حاکمان به شمار می‌آید.

با نگرش به موارد فوق نتایج ذیل برای تحقیق به اثبات رسیده است:

الف - رابطه معنی‌داری زیادی بین جمعیت جوان (به‌عنوان یک مؤلفه جغرافیای جمعیت) متناسب با وضعیت اقتصادی با افزایش قدرت ملی کشور ج.ا.ایران وجود دارد.

ب- افزایش جمعیت جوان (به‌عنوان یک مؤلفه جغرافیای جمعیت) نیز می‌تواند در افزایش قدرت ملی به میزان کم معنی‌دار باشد.

بر اساس نتایج به دست آمده، پیشنهادی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

۱) تجدیدنظر در سیاست‌های کلان جمعیتی کشور و افزایش مشوق‌های زیاد برای ترغیب نسل جوان به افزایش زادآوری در سطح کشور؛

۲) تبیین اثرات پیری جمعیت بر کاهش ضریب امنیتی جامعه ایرانی با عنایت به تنوع و فراوانی زیاد تهدیدات متوجه کشور؛

۳) استفاده کاربردی حاکمیت از نتایج مطالعات جغرافیایی جمعیت در راستای مدیریت توزیع نامتوازن جمعیت در قلمرو سرزمینی ج.ا.ایران؛

۴) محور قرار دادن جمعیت جوان در پایداری اقتصادی و توسعه سرزمینی کشور از طریق جلب حمایت‌های حاکمیتی و دولت.

منابع و مآخذ

- ۱) اعتمادی، فاطمه (۱۳۹۸)، نقش افزایش جمعیت در اقتدار ملی، فصلنامه ره‌توشه راهیان نور، شماره ۹۸.
- ۲) الهی، وحید؛ بای، عبدالرضا و صدری، محمدفاضل (۱۴۰۳)، بررسی رابطه جمعیت و قدرت ملی در ج.ا.ایران (با تأکید بر آموزه‌های دینی)، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، سال ۶، شماره ۱۹.
- ۳) امینی، داود؛ حنفی، علی (۱۴۰۰)، جغرافیای نظامی ایران (جلد اول)، تهران: انتشارات دانشگاه افسری امام علی (ع).
- ۴) تمنا، سعید (۱۳۷۵)، مبانی جمعیت‌شناسی، تهران: دانشگاه پیام نور.
- ۵) جوان، جعفر (۱۳۶۷)، جمعیت ایران و بستر جغرافیایی آن، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۶) خانجانی، مهدی؛ کارگر، بهمن (۱۴۰۲)، نقش جمعیت در تولید قدرت ملی و ارتقاء اقتدار ملی، نشریه دولت‌پژوهی ایران معاصر، دوره ۸، شماره ۴، صص ۳۵-۵۴.
- ۷) خرمشاد، محمدباقر؛ آقامحمدی، مسعود و بابایی، سعید (۱۳۹۸)، متغیرهای جمعیتی مؤثر در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، دوره ۹، شماره ۳۶.
- ۸) دلاور علی، (۱۳۸۹)، روشهای آماری در علوم تربیتی، تهران: انتشارات سمت.
- ۹) عبادی‌نژاد، سیدعلی؛ امینی، داود (۱۳۹۷)، جغرافیا از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین.
- ۱۰) کالینز، جان. ام (۱۳۸۴)، جغرافیای نظامی (جغرافیای فرهنگی)، ترجمه محمدرضا آهنی و بهرام محسنی، جلد دوم، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین (ع).
- ۱۱) کتابی احمد (۱۳۶۴)، نظریات جمعیت‌شناسی، تهران: انتشارات اقبال.
- ۱۲) فتحی‌الهام (۱۳۹۹)، نگاهی به گذشته، حال و آینده جمعیت ایران، تهران: پژوهشکده آمار
- ۱۳) منتظری رویا، سوداگر امیری نوید، کاظمیان مهرانه، احمدیان محمد (۱۴۰۱)، جوان‌سازی جمعیت چرا و چگونه، نشریه بهروز، سال سی و سوم، شماره ۱۱۲.
- ۱۴) مهدیان، حسین؛ ترکاشوند، جلال و جهانی‌راد، حجت‌اله (۱۴۰۳)، ارائه الگوی جوانی جمعیت و ارتقاء قدرت ملی از منظر فرماندهی معظم کل قوا (حفظ الله)، فصلنامه جغرافیا و جمعیت، دوره ۲، شماره ۱.
- ۱۵) National Power: Elements, Evaluation and Limitations
- ۱۶) Azhar, Ahmad.(2014). Indo-US Nuclear Deal: Altering Global Nuclear Order-Concept of national power Indian Institute of Legal Studies. Published on: <http://alipurduargirlscollege.org>
- ۱۷) Sciubba, Jennifer. D and Hwang, Seongjoon(2022). Population and National Security, Part of the book series: International Handbooks of Population.
- ۱۸) Sciubba, Jennifer. D(2010). The Future Faces of War: Population and National Security (The Changing Face of War), Publisher Praeger.
- ۱۹) <https://www.britannica.com>
- ۲۰) <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=26440>

Discovering of people geographic and that relation with nation power of republic of eslamic IRAN with emphasise juvenalisation people

Davood Amini^۱

Ali Akbar Hassanvand^۲

Valialeh Esfandiar^۳

abstract

Population geography is the study of concepts such as; It deals with the quantity, quality, gender, growth, distribution, density, composition, displacement, population repulsions and attractions based on spatial and spatial patterns. Military geography in the context of population geography seeks to find the relationship between population components and military security. Population statistics that are important from a military point of view. This research aims to know the features of demographic geography that are effective in increasing the national power of the Islamic Republic of Iran, and the type of research is case-contextual, and the information related to the variables was tested by soliciting opinions from business experts and presenting them in the sample community using the 2-way method, and with The consensus coefficient C, its correlation intensity, has been calculated. The research results indicate that; There is a significant relationship between the young population and the increase in the national power of Iran. Also, the increase in the youth ratio of the population as a component of the population's geography is also less significant with the promotion of national power.

Key words: population, population geography, youth, national power, Islamic Republic of Iran

^۱Associate Professor, Department of History and Geography, Imam Ali University (AS)
davoodamini1357@gmail.com

^۲Doctorate in strategic management and lecturer in the Department of History and Geography, Imam Ali Officer University dr.hasavand1965@gmail.com

^۳Assistant Professor, Department of Social Sciences, Imam Ali Official University (AS) Validsfadiyar@gmail